

شئون امام در اندیشه شیخ مفید

محمدحسین فاریاب / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته m.faryab@gmail.com

دریافت: ۹۳/۱۱/۱ پذیرش: ۹۴/۹/۳۰

چکیده

مقصود از شئون، همان جایگاه‌ها و وظایف است. امام از آن جهت که ریاستی فراگیر بر عالم هستی دارد، جایگاه و وظایفی برای او تعریف می‌شود. اینکه او دقیقاً دارای چه جایگاه و وظایفی در نظام تکوین و تشریح است، مسئله‌ای است که معرکه آراء بوده است. شیخ مفید از بزرگان کلام شیعی است که شناخت دیدگاه‌های او می‌تواند به شناخت فضای کلامی شیعی در مدرسه بزرگ بغداد در قرن چهارم و پنجم کمک شایانی کند. نوشتار حاضر بر آن هستیم تا به روش تحلیلی - توصیفی با مطالعه همه‌جانبه آثار شیخ مفید، این مسئله را از دیدگاه وی کاوش کند. براساس مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، شیخ مفید درباره شئون تکوینی نظریاتی خاص دارد، اما دیدگاه‌های او درباره شئون تشریحی امام با دیدگاه‌های رایج در عصر حاضر همخوانی دارد.

کلیدواژه‌ها: شیخ مفید، امام، شئون امام، تکوین، تشریح.

مقدمه

شئون علمی نیز به جایگاه علمی امام در دو حوزه دین و غیردین می‌پردازد. اینها نیز همان مواردی است که به بررسی آنها به‌منزله مسائل فرعی خواهیم پرداخت. در آثار به‌جای‌مانده از متکلمان گذشته و هم‌روزگار، اثری از تفکیک شئون امام به سه حوزه شئون تکوینی، تشریحی و علمی دیده نمی‌شود. افزون بر آن، بررسی دیدگاه‌های شیخ مفید نیز به طور خاص مورد توجه محققان نبوده است.

آشنایی با شیخ مفید

محمدبن محمدبن نعمان العکبری البغدادی متولد سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ق (ابن‌داود حلی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۳۴؛ طوسی، بی‌تا، ص ۱۵۸)، معروف به شیخ مفید است. آوازه او محدود به دورانی که می‌زیست، نمی‌شود (کریمی زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۱۷۹)، بلکه او متکلمی شهر در همه دوران حیات فکری شیعه به‌شمار می‌آید. مهارت علمی شیخ نیز زبانزد عام و خاص است. این را از تعریف و تمجیدهایی که از او کرده‌اند، به خوبی می‌توان دانست. ابن‌الندیم وی را جلودار علم کلام و رئیس متکلمان شیعه در عصر خود دانسته است (ابن‌الندیم بغدادی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۰) و نجاشی که یکی از شاگردان شیخ مفید به‌شمار می‌رود، کمال استاد خود را در علوم کلام، فقه و حدیث، بالاتر از آن دانسته است که توصیف‌پذیر باشد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹۹). خطیب بغدادی (۴۶۳ق) - از دانشمندان اهل سنت - در سخنی کوتاه، شیخ مفید را گمراه‌کننده جمع بسیاری از مردم دانسته است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۴۹) که این سخن، نشان از مقدار تأثیر شیخ در گسترش تشیع

امامت اساسی‌ترین باوری است که شیعیان را به لحاظ اعتقادی از دیگر مذاهب اسلامی جدا می‌سازد. با وجود این، سایه اختلافات درون‌مذهبی در مسائل مربوط به امامت گاه چنان سنگین بوده که طرفین، یکدیگر را به غلو یا تقصیر متهم کرده‌اند. از سوی دیگر، آشنایی با نظریات عالمان گذشته یک علم، برای دانشجوی آن علم امری لازم است تا بتواند با پیشینه فکری یک نظریه آشنایی بیشتری داشته باشد و اگر درصدد پذیرش یا انکار آن برآمد، با رویکردی عالمانه به این مهم همت گمارد.

مسئله شئون امامت از آن دست مسائلی است که همواره مورد بحث بوده است. هرچند متکلمان فصلی مجزا برای این مسئله نگشوده‌اند، نگاهی جامع به تمام آثار کلامی و غیرکلامی آنها نشان می‌دهد که تبیین شئون امامت دغدغه خاطر آنها بوده است. این نوشتار دیدگاه‌های شیخ مفید را می‌کاود.

در ابتدا، بجاست به این نکته اشاره شود شئون امام در یک تقسیم‌بندی کلان به سه قسم تقسیم می‌شود: شئون تکوینی، شئون تشریحی و شئون علمی.

پرسش‌های اصلی ما بر اساس همین تقسیم‌بندی شکل می‌گیرند. پس ما سه پرسش اصلی داریم: نخست آنکه دیدگاه شیخ مفید درباره شئون تکوینی امام چیست؟ دوم آنکه او چه نظری درباره شئون تشریحی امام دارد؟ سوم آنکه به باور شیخ مفید، امام از چه جایگاه علمی برخوردار است؟

وقتی از شئون تکوینی سخن به میان می‌آوریم، مقصودمان جایگاه امام در نظام تکوین است؛ یعنی در عالم انوار، دنیای کنونی و نیز سرای آخرت. شئون تشریحی نیز از ارتباط امام با شریعت حاصل می‌شود و

خانه‌اش دفن شد و پس از دو سال پیکر پاکش در پایین پای امام جواد علیه السلام و در جوار قبر استادش *ابن قولویه* به خاک سپرده شد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۳).

بخش اول: شئون تکوینی امام در اندیشه شیخ مفید

همان‌گونه که بیان شد، شئون تکوینی امام می‌تواند در سه عرصه قبل از دنیای مادی، دنیای مادی و سرای آخرت بررسی شود.

یکم. شئون تکوینی امام قبل از ورود به عالم ماده

شیخ مفید گاه روایاتی را نقل می‌کند که برای اثبات شئون امام قبل از عالم ماده مفید است؛ چنان‌که در موضعی، این فراز از برخی زیارت‌نامه‌های امامان علیهم السلام را نقل می‌کند: «بکم فتح الله و بکم یختم» (مفید، المزار، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱). همچنین در روایتی دیگر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خطاب به امام علی علیه السلام فرمودند: «بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِنَا يَخْتَمُ» (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۸-۲۹۰).

او همچنین در آثار خود، ناقل روایاتی است که از وجود ارواح قبل از اجساد خبر داده، نخستین روحی را که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد روح امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی می‌کند (همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۴). بر اساس نقل شیخ مفید، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز خود تأکید کرد که ایشان نخستین کسی بوده که حضرت رسول را تصدیق فرمود، درحالی‌که حضرت آدم میان روح و جسد بود (همان، ص ۷-۳).

با وجود این، به نظر می‌رسد نتوان به صرف نقل چنین روایاتی، به دیدگاه شیخ مفید رسید، به‌ویژه آنکه نظریات او گاه با روایات یادشده معارض است، ازاین‌رو، باید به دنبال سخنان صریح وی در این‌باره بود. شیخ مفید درباره روایاتی که بیانگر آفرینش ارواح

دارد. به گزارش طبرسی (۵۴۸ق)، دو توقیع از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام خطاب به او صادر شده است که نشان از جایگاه رفیع او نزد آن امام بزرگوار دارد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۶-۴۹۹).

او استادان گوناگونی از شیعه و معتزله داشته که شیخ صدوق (۳۸۱ق)، ابن قولویه (۳۶۷ق)، ابن جنید اسکافی (۳۸۱ق) و ابن داود قمی (۳۶۸ق) از جمله آنها هستند (شبییری، ۱۳۷۱).

ریاست جامعه شیعی در شرایط دشوار و پیچیده در شهر بغداد به او رسید، اما حضور متراکم شیعیان و سنیان متعصب چنان عرصه را بر مردم در این شهر تنگ کرده بود که بغداد بارها شاهد درگیری میان شیعیان و اهل سنت بود؛ درگیری‌هایی که گاه منجر به اخراج و تبعید شیخ مفید به‌عنوان رئیس شیعه از این شهر می‌شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۹، ص ۲۰۸). در چنین شرایطی، شیخ مفید وظیفه پاسبانی از اصول عقاید شیعه را بر عهده داشت. از کتاب *الفصول المختارة* به دست می‌آید که او مهارتی خیره‌کننده در فنّ مناظره داشته، ازاین‌روست که او را فردی حاضر جواب معرفی کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ص ۱۵۸).

به گفته محققان، او حدود دویست کتاب نگارش کرده است (همان). اغلب این تألیفات - همچون *اوائل المقالات*، *تصحیح الاعتقاد*، *الفصول العشرة*، *الفصول المختارة* و *الافصاح فی الامامة* - مربوط به علم کلام است. شیخ مفید در مباحث مربوط به اصل امامت با ارائه مباحث جدید و برهان‌های عقلی و نقلی بسیار، نقش بسزایی در اثبات و تبیین دیدگاه امامیه در اصل امامت داشته است.

شیخ بزرگ شیعه در سال ۴۱۳ هجری قمری پس از تربیت شاگردان برجسته‌ای همچون سید مرتضی، شیخ طوسی و کراجکی از دنیا رفت (همان). او ابتدا در

روایات را مشهور می‌داند که اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نبودند، خداوند آسمان، زمین، بهشت و جهنم را نمی‌آفرید (مفید، تفضیل امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳). به باور شیخ، این سخن بیانگر فضیلت پیامبر و امام علی علیه السلام و نیز منوط بودن مصلحت بندگان به شناخت آن دو و اطاعت از آن دو است (همان).

حاصل آنکه، اولاً، شیخ مفید از امامان در عالم نخستین، با عنوان اشباح یاد کرده، قدیم بودن اشباح امامان را منکر است (مفید، المسائل الکعبریة، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷-۲۹). ثانیاً، وی این سخن را که ذات امامان قبل از حضرت آدم علیه السلام وجود داشته باشد نیز باطل و دور از حق دانسته و آن را اعتقاد برخی غالیان و حشویه از شیعه می‌داند (همان). ثالثاً، به باور شیخ، این سخن که تنها صورت امامان در عرش وجود داشته و خداوند به خاطر نشان دادن شرافت و عظمت آنها، آن صورت‌ها را به حضرت آدم نمایانده است، قابل قبول است (مفید، المسائل السرویة، ۱۴۱۳ق، ص ۴۱ و ۴۲). رابعاً ایشان در آن حالت، ارواحی زنده نبودند. خامساً، اینکه خداوند متعال به خاطر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام آسمان، زمین، بهشت و جهنم را آفریده است، سخنی مشهور است. شاهد دیگری که در این باره می‌توان ارائه کرد آن است که در اندیشه شیخ مفید، عالم ذر توهمی بیش نیست و روایات بیانگر خلق ارواح قبل از اجساد، روایات آحاد است. او بر دیدگاه شیخ صدوق تاخه و تصریح می‌کند که قول به خلق ارواح قبل از اجساد، متعلق به تناسخیان است. او معتقد است: مقصود از روایات خلق ارواح قبل از اجساد، آن است که فرشتگان دو هزار سال قبل از خلق انسان‌ها آفریده شده‌اند (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۸۹-۸۱).

قبل از اجساد و نیز خلقت نخستین امامان علیهم السلام هستند، بر این باور است که الفاظ روایات یادشده با هم متفاوت بوده و معانی آنها نیز با یکدیگر متباین است، اما غالیان سخنان باطل فراوانی را بر پایه همین روایات مطرح کرده‌اند. وی در همین باره از کتابی با عنوان **الأشباح والأظلة** یاد می‌کند که آن را به محمد بن سنان نسبت داده‌اند. به اعتقاد شیخ مفید، اگر این انتساب درست باشد، باید دانست که محمد بن سنان فردی است که متهم به غلو بوده و این مطالب نیز نشان از گمراهی او دارد و اگر این انتساب دروغ باشد، گناه آن به عهده منتسبان است.

به باور شیخ مفید، آنچه از این روایات می‌توان پذیرفت آن است که حضرت آدم علیه السلام، بر عرش اشباحی را دیده که درخشنده و نورانی بودند، آن‌گاه خداوند به وی فرمود که ایشان اشباح پنج تن آل عبا علیهم السلام هستند. شیخ دلیل این کار را تعظیم و بزرگداشت ایشان و مقدمه‌چینی برای بیان این مطلب دانسته که صلاح دین و دنیا با آنها به سامان می‌رسد. شیخ تصریح می‌کند که ایشان در آن عرصه، موجوداتی زنده و یا ارواح ناطقه نبوده‌اند، بلکه صورتی همچون صورت‌های بشری خود در این دنیا داشته‌اند، و نوری که بر آنان افکنده شده، بیانگر آن بوده که در آینده دین از نور آنان بهره‌مند خواهد بود (مفید، المسائل السرویة، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸-۴۰).

شیخ مفید، این روایت را که اسامی ائمه در عرش نوشته شده و حضرت آدم به هنگام توبه، خداوند را به حق ایشان قسم داد، نیز می‌پذیرد (همان). در همین زمینه، او روایتی را نقل می‌کند که وقتی حضرت آدم علیه السلام اشباح ائمه علیهم السلام را دید، خداوند وی را از این حقیقت آگاه کرد که «لولا الأشباح التي رأها ما خلقه و لا خلق سماء و لا أرضا» (همان، ص ۳۹). او در موضعی دیگر، این سخن در

امامان را اندیشه‌ای غالیانه دانسته و آن را غیرقابل قبول می‌شمارد (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۳ و ۱۳۴).
ب) تفویض محدود: ولایت در تکوین یا همان «تفویض محدود» بدین معناست که امام تصرفات جزئی و محدود در نظام هستی داشته باشد.

۱ این اصطلاح در آثار برجای مانده از شیخ مفید دیده نمی‌شود؛ با این حال، او معتقد است صدور معجزات از امامان علیهم‌السلام اگرچه به لحاظ عقلی، واجب نیست، روایات فراوانی بر صدور آن از ایشان تأکید دارند (مفید، اوایل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۸؛ همو، الفصول المختارة، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۶). افزون بر آن، وی در کتاب الارشاد به تفصیل، با نقل روایاتی، به برخی معجزات و کرامات امامان علیهم‌السلام اشاره کرده است (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۶).

سوم. شئون امام در سرای آخرت

شئون امام در سرای آخرت، در سه بخش جداگانه - برزخ، قیامت و بهشت - قابل بررسی است. البته تفکیک این شئون در این سه مقطع به وضوح در آثار شیخ مفید دیده نمی‌شود؛ با وجود این، می‌توان معدود دیدگاه‌های او را در این عرصه بررسی کرد.

شئون امام در عالم برزخ

به‌طورکلی، شیخ مفید وجود حیات برزخی را تنها برای برخی افراد پذیرفته است. به باور او، ارواح انسان‌هایی که نه مؤمن محض هستند و نه کافر محض، پس از مرگ تا قیامت به‌طورکلی نابود و معدوم می‌شوند (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹). شیخ در موضعی دیگر نیز شیعیان را به چهار دسته تقسیم کرده و می‌نویسد:

وی توجیه دیگری نیز از این روایات ارائه می‌کند که بر اساس آن، خداوند در علم خود ابتدا ارواح و سپس اجساد را مقدر ساخت، اما در عالم تکوین، ابتدا اجساد و آن‌گاه ارواح آفریده شدند (مفید، المسائل السرویة، ۱۴۱۳ق، ص ۵۳).

نتیجه کلی که می‌توان از این قسمت گرفت آن است که شیخ مفید، وجود نوری امامان - به گونه‌ای که موجوداتی زنده و فعال باشند - و حتی ارواح دیگر انسان‌ها قبل از عالم ماده را قبول ندارد تا بخواهد برای انوار امامان علیهم‌السلام شئونی تعریف کند.

دوم. شئون تکوینی در عالم ماده

مهم‌ترین مسئله در باب شئون تکوینی در عالم ماده مسئله ولایت تکوینی است. آیا شیخ مفید ولایت تکوینی امامان علیهم‌السلام را می‌پذیرد؟

ولایت تکوینی

ولایت تکوینی در دو محور قابل بررسی است:
الف) تفویض مطلق: مقصود از ولایت بر تکوین یا همان «تفویض مطلق» آن است که امامان علیهم‌السلام بر جهان هستی ولایت داشته و خداوند امر رزق، تدبیر و احیا و اماتة مخلوقات را به آنها سپرده باشد. روشن است که تفویض مطلق به لحاظ مقام تصور می‌تواند به گونه طولی و نیز به گونه عرضی و استقلالی در نظر گرفته شود. اعتقاد به تفویض و واگذاری امور عالم به طور عرضی و استقلالی به هر کسی، رهاوردی جز شرک به خداوند یکتا ندارد. از این‌رو، سخن در تفویض و واگذاری امور عالم مانند خلق و رزق و تدبیر به گونه طولی به امامان علیهم‌السلام است.
 شیخ مفید به صراحت و واگذاری امر خلق و رزق به

«إنهم أربع طبقات طبقة يحييهم الله و يسكنهم مع أوليائهم في الجنان و طبقة يحيون و يلحقون بأئمتهم في محل الهوان و طبقة أقف فيهم و أجوز حياتهم و أجوز كونهم على حال الأموات و طبقة لا يحيون بعد الموت حتى النشور و المآب» (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵).

بر اساس این عبارت، به باور شیخ، برخی شیعیان در عالم برزخ، زنده بوده و با دوستانشان در باغ‌ها و نعمت‌ها سکونت دارند. گروهی دیگر از شیعیان، زنده، اما در حال عذاب خواهند بود. گروه سوم، کسانی هستند که شیخ درباره زنده بودن آنها توقف کرده و گروه آخر، گروهی هستند که پس از مرگ، تا قیامت زنده نخواهند شد.

به باور شیخ، از جمله کسانی که حیات برزخی دارند، امامان علیهم‌السلام هستند. البته او شیعیان خالص را نیز به امامان ملحق می‌داند (همان). شیخ مفید معتقد است که امامان علیهم‌السلام پس از وفات، از زیر خاک به بهشت رفته و از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند. آنها به انسان‌های درست‌کاری که به ایشان ملحق می‌شوند، بشارت می‌دهند. همچنین خداوند هر لحظه آنها را از حال شیعیانشان آگاه ساخته و به گونه‌ای خاص کاری می‌کند تا ایشان صدای زائران را بشنوند (همان، ص ۷۲ و ۷۳). وی در کتاب *المزار* در یکی از زیارت‌نامه‌های امام حسین علیه‌السلام، عبارتی را نقل می‌کند که در آن، به زائر آموخته می‌شود که گویی امام صدای او را شنیده، جایگاه و نیز حاجت او را می‌داند. در این زیارت‌نامه، زائر حاجت‌های خود را نیز از امام می‌خواهد (مفید، المزار، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱). البته شیخ مفید هیچ تحلیلی در این باره ارائه نکرده، و زیارت‌نامه یادشده را نیز با تعبیر «روی عنه» نقل کرده است. با وجود این، او در ابتدای این کتاب تصریح می‌کند که این زیارات را جمع کرده تا شیعیانی که به زیارت امام

علی و امام حسین علیهم‌السلام می‌روند، بدانند چه اعمالی را باید انجام داده یا چه اذکاری را باید بخوانند (همان، ص ۳). با توجه به دیدگاه‌هایی که اخیراً از شیخ نقل شد، می‌توان همین مضمون را به شیخ مفید نسبت داد؛ بدین بیان که امام در عالم برزخ زائران را دیده، صدایشان را می‌شنود، به سلام آنها پاسخ گفته، بر آورده ساختن نیازهای ایشان به اذن الله توانمند است.

شنون امام در قیامت

معدود دیدگاه‌های شیخ مفید، ما را به وجود برخی شنون برای امامان علیهم‌السلام در قیامت می‌رساند که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پرچمداری: اغلب دیدگاه‌های شیخ مفید درباره شنون اخروی امام، در باب فضایل امام علی علیه‌السلام در قیامت است. وی بر اساس روایات، امیرمؤمنان علیه‌السلام را پرچمدار به سوی بهشت می‌داند (مفید، تفضیل امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹-۳۱). شیخ مفید به مناسبتی نیز روایتی را نقل می‌کند که در آن، از پرچمدار بودن امام علی علیه‌السلام برای پیامبر سخن به میان آمده است (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۸).

بازگشت‌گاه و حساب‌رس مردم: از دیگر شنون تکوینی امام در سرای آخرت، نقش ایشان در حساب‌بندگان است. شیخ مفید مسئولیت حساب‌رسی مؤمنان گنهکار را بر عهده رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌داند. شیخ مفید بر این باور است که خداوند این مقام را به ایشان داده تا برتری آنها بر سایر بندگان را نشان دهد. شیخ، دلیل مدعای خود را اخبار مستفیض از صادقین علیهم‌السلام می‌داند و پس از ذکر آیه «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» چنین می‌گوید که مقصود از «مؤمنون»، ائمه: هستند (مفید، اوایل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۷۸ و ۷۹).

راه است. «دین» نیز راه نامیده می‌شود؛ زیرا طریق به سوی صواب است. ولایت امامان علیهم‌السلام نیز به همین خاطر، صراط نامیده می‌شود؛ زیرا معرفت و تمسک به ایشان طریق به سوی خداوند است. شیخ مفید، درباره صراط در قیامت، نیز می‌گوید که بر اساس روایتی، طریقی که از آن به بهشت وارد می‌شوند، مانند پلی است که مردم بر آن عبور کرده و آن صراطی است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سمت راست آن و امیرالمؤمنین علیه‌السلام سمت چپ آن قرار گرفته و خداوند به آن ندا می‌کند که «الْفِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» (ق: ۲۴) (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۸). همچنین او روایت دیگری نیز آورده به این مضمون که عبور از صراط مخصوص کسانی است که از سوی امام علی علیه‌السلام نامه براءت از آتش به آنها داده شده باشد (همان). چنان‌که پیداست، وی تحلیل خاصی در این باره ارائه نکرده است.

قسمت‌کننده بهشت و جهنم: شیخ مفید بر اساس روایات، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را قسمت‌کننده بهشت و جهنم می‌داند (مفید، تفضیل امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹-۳۱)، اما درباره چیستی و چگونگی آن تحلیلی ارائه نمی‌کند.

شفاعت: شیخ مفید بدون استناد به روایات، از اتفاق نظر امامیه بر شفیع بودن پیامبر و امامان علیهم‌السلام سخن به میان می‌آورد؛ بدین بیان که پیامبر شفیع امت خود، و امامان نیز شفیع شیعیان بوده و بسیاری از گناهکاران نجات پیدا می‌کنند (مفید، اوایل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹، ۴۷ و ۸۰). آنچه در این دیدگاه قابل توجه است، آن است که شیخ مفید، امام را شفیع شیعیان - و نه تمام امت - می‌داند.

گفتنی است به حسب تتبع نگارنده، شیخ مفید سخنی درباره شئون امام در بهشت نگفته است.

شهادت بر اعمال: شیخ مفید روایتی را نقل می‌کند که در آن، امام علی علیه‌السلام، خود و دیگر امامان علیهم‌السلام را شاهدان خدا معرفی کرده است (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۹). افزون بر آن، در ابتدای کتاب فقهی خود، امامان علیهم‌السلام را شاهدان بر اعمال رعایای خود در روز قیامت و پیامبران را نیز شاهدان بر اعمال امت خود می‌داند (مفید، المقنعة، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲).

جایگاه امام در اعراف: شیخ مفید در خصوص مسئله اعراف چند دسته روایت نقل می‌کند و در پایان تصریح می‌کند که آنچه می‌توان بدان قطع داشت، آن است که اعراف مکانی میان بهشت و جهنم است که دو گروه در آنجا حضور دارند: یکی از آن دو گروه، امامان و حجت‌های الهی هستند و گروه دوم، کسانی هستند که در انتظار امر خداوند برای ورود به بهشت به سر می‌برند (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ همو، تفضیل امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹-۳۱). البته شیخ مفید نقش و وظیفه امامان علیهم‌السلام در آن جایگاه را روشن نمی‌سازد.

جایگاه امام در موقف میزان: شیخ مفید در باب تبیین چیستی «میزان»، آن را به معنای «التعدیل بین الأعمال» دانسته است. به نظر می‌رسد مقصود وی همان ارزش‌گذاری و تعیین وزن اعمال است (ابن منظور، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۴۳۲). او بر این باور است که مسئولان این امر همان امامان پاک علیهم‌السلام هستند. شیخ این نکته را نیز اضافه می‌کند که این عقیده مورد اجماع ناقلان حدیث از امامیه بوده، اما از متکلمان امامی در این باره چیزی نشنیده است (مفید، اوایل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۷۸ و ۷۹؛ همو، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۵).

جایگاه امام در موقف صراط: به اعتقاد او، «صراط» به معنای

بخش دوم: شئون تشریحی

به نظر می‌رسد شئون تشریحی امام را می‌توان در چند محور بررسی کرد: تشریح دین، دریافت دین، مرجعیت دینی، قیم قرآن، حفظ دین، مرجعیت رفتاری دین، اجرای دین، و انتشار دین.

تشریح و دریافت مستقیم دین از خداوند متعال

شیخ مفید تأکید می‌کند که عقلاً نزول وحی بر امامان علیهم‌السلام ممتنع نیست، چنان‌که به مادر حضرت موسی علیه‌السلام هم وحی شد، اما از آموزه‌های دین نبوی به دست می‌آید که چنین امری پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محقق نمی‌شود، و قول به نزول وحی پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطا و بلکه کفر است (همان، ص ۶۸).

از این سخن، ظاهراً این مطلب برداشت می‌شود که حتی وحیی همانند آنچه بر مادر حضرت موسی علیه‌السلام نازل شد هم بر امامان نازل نمی‌شود؛ اما ایشان در موضعی دیگر تصریح می‌فرمایند که خدای سبحان به امامان علیهم‌السلام نیز علومی را القا میکند، اما پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اصطلاح وحی بر این سنخ، القانات اطلاق نمی‌شود (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۱).

بنابراین در مجموع، امامان علیهم‌السلام نیز علومی را از جانب خدای سبحان دریافت می‌کنند، اما اینکه محتوای آن علوم، دین باشد، در سخنان شیخ مفید به آن اشاره‌ای نشده است.

مرجعیت دینی و قیم قرآن

شأن مرجعیت دینی به معنای تبلیغ و تبیین معارف دینی مورد پذیرش شیخ مفید است. وی در بیانی به صراحت به این شأن اشاره می‌کند: «إنما الإمام نصب لأشياء كثيرة...»

الثانی بیان الحکم للمسترشدين» (مفید، اربع رسالات فی الغیبة، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۴).

شیخ مفید، مردم را در دریافت احکام شریعت نیازمند به امامان می‌داند (مفید، الافصاح فی الامامة، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹). بر همین اساس است که وی سخن کسانی را که معتقد بودند امامان علیهم‌السلام بسیاری از احکام را نمی‌دانند تا آنکه به قلب آنها القا شده یا آنکه از راه اجتهاد و رأی و گمان به حکم مسئله دست یابند، اندیشه‌ای باطل دانسته است که موجب تقصیر و تنزیل امامان از مقام حقیقی خود خواهد شد (مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۵ و ۱۳۶). به گفته شیخ مفید، امام باید در هر عصری وجود داشته باشد تا خداوند به سبب وجود او بتواند بر بندگان احتجاج کند و با وجود اوست که مصالح دین تماماً محقق می‌شود (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹).

نکته دیگر آنکه به نظر می‌رسد شیخ مفید، این اندیشه را که امام علیه‌السلام حجت خداست، از روایات گرفته است، چنان‌که در برخی زیارات چنین نقل کرده است: «أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى وَ مَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ» (مفید، الامالی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۹ و ۱۱۰). او به استناد همان روایات، بر این باور است که امامان علیهم‌السلام تنها حجت خدا برای مردم روی زمین بوده و حجت بر اهل آسمان نیستند (مفید، اربع رسالات فی الغیبة، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶).

شیخ مفید، نگاهی به شأن قیم قرآن بودن امام نیز داشته است؛ بدین بیان که او از امامان با عنوان مفسران قرآن یاد می‌کند (مفید، الافصاح فی الامامة، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۰). شأن تأویل دین برای امامان علیهم‌السلام است که مورد پذیرش شیخ مفید هم بوده است، هرچند که تأویل و بیان باطن کلام را از مقوله مجاز در کلام می‌داند (مفید، التذکرة

اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۵).
افزون بر آن، وی آن‌گاه که در مقام اثبات عصمت امام است، استدلال خود را بر محور وجود چنین شأنی قرار داده، می‌نویسد: «امام از عصیان معصوم است، از سهو و نسیان در امان است؛ زیرا مردم با رهبری کسی که مرتکب گناهان شده و در حقیقت احکام، اشتباه می‌کند و از حق گمراه می‌شود» (مفید، المسائل الجارودیه، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵).
بر اساس همین ویژگی - یعنی عصمت - است که شیخ مفید، امامان علیهم‌السلام را افرادی مفروض الطاعة از جانب خداوند دانسته و انکار امامت آنها را مساوی با کفر قلمداد می‌کند (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۴۴).

بخش سوم: شئون علمی

دیدگاه شیخ مفید درباره جایگاه علمی امام را می‌توان در چند گزاره خلاصه کرد:
۱. امامیه هم‌داستان‌اند که امام باید پس از تصدی منصب امامت، به احکام و معارف دین عالم باشد (مفید، المسائل الجارودیه، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵؛ همو، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹).
۲. روایات مستفیضه‌ای بر ثبوت علم امامان پاک علیهم‌السلام به امور نهانی وجود دارد (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۳؛ ج ۲، ص ۱۸۵) که البته این علوم به نحو مستفاد - و نه ذاتی - هستند (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۷).
۳. اینکه گفته شود امام همه چیز را می‌داند، ادعایی بدون دلیل است (مفید، المسائل العکبریه، ۱۴۱۳ق، ص ۶۹).
۴. آگاهی امام علیهم‌السلام از امور غیردینی، ضروری نیست؛ ولی امری ممکن و واقع است و به مصلحت و لطف خداوند بستگی دارد. برای نمونه، اینکه بگوییم امام علیهم‌السلام عالم به باطن انسان‌هاست، خطاست. امام همچون مردم

باصول الفقه، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲). به باور شیخ، تأویل برخی آیات و روایات از امور لازم برای فهم دین بوده که بی‌اعتنایی به آن موجب انحراف خواهد شد. برای نمونه، وی جبرگرایی را نتیجه عدم توجه به تأویل دانسته، می‌نویسد: «ما دان أحد من أصحابنا قط بالجبر إلا أن یکون عامیا لا یعرف تأویل الأخبار» (مفید، الحکایات، ۱۴۱۳ق، ص ۸۳).
او خود از برخی تأویل‌های امامان علیهم‌السلام خبر داده (مفید، المقنعة، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۹) و برخی از تأویل‌های عالمان شیعی را مستند به سخن امامان علیهم‌السلام کرده است (مفید، الافصاح فی الامامة، ۱۴۱۳ق، ص ۹۱؛ همو، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷).

حفظ دین

حفظ دین از دیگر شئون است که مورد توجه برخی متکلمان بوده است. شیخ مفید گاهی به صراحت از امامان علیهم‌السلام به منزله حافظان شریعت یاد می‌کند (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۵؛ همو، الفصول العشرة، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۵ و ۱۰۶). گاهی نیز با بیان و تحلیل تاریخ امامان علیهم‌السلام به گونه‌ای سخن می‌گوید که نتیجه آن، همان حفظ دین است. نمونه آن ماجرای موافقت امام علی علیه‌السلام با ازدواج ام‌کلثوم علیها‌السلام با خلیفه دوم است. شیخ مفید دلیل این موافقت را چنین توضیح می‌دهد که آن امام بزرگوار برای جلوگیری از خونریزی و فساد در دین و دنیا با این ازدواج موافقت کرد (مفید، المسائل السرویه، ۱۴۱۳ق، ص ۹۱).

اجرای دین (حاکمیت اجتماعی)

شیخ مفید در مواضع متعددی به این شأن اشاره کرده است. ایشان می‌نویسد: «إن الأئمة القائمين مقام الأنبياء فی تنفيذ الأحکام و... تأديب الأنام معصومون» (مفید،

ضرورتاً برخوردار از علوم غیردینی باشد، حال آنکه شیخ مفید معتقد است، امام علیه السلام ضرورتاً از چنین علومی برخوردار نیست.

نتیجه‌گیری

نتایج این نوشتار را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. شیخ مفید به‌طور کلی وجود ارواح قبل از اجساد را نمی‌پذیرد. همچنین او وجود نوری فعال و زنده امامان علیهم السلام را بر نمی‌تابد، و معتقد است که تنها صورت‌های نورانی آنها آفریده شده بود.

۲. شیخ مفید از اصطلاح ولایت تکوینی استفاده نکرده، اما حقیقت آن را در حد معجزات و کرامات برای امامان علیهم السلام قبول دارد، هرچند آموزه تفویض مطلق - به نحو احیا و امات، رزق و تدبیر عالم - را اندیشه‌ای غالیانه می‌داند.

۳. ایشان شئون متعددی را برای امامان علیهم السلام در سرای برزخ و قیامت بیان می‌کند که نشان از آگاهی ایشان نسبت به روایات موجود در این باره است.

۴. به باور شیخ مفید، پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی نیز قطع شده و حتی وحیی نظیر وحی به مادر حضرت موسی نیز بر امامان نازل نمی‌شود. از این رو، امام شأن تشریح و دریافت دین را ندارد.

۵. شیخ مفید، شأن مرجعیت دینی، حفظ و اجرای دین را نیز برای امامان علیهم السلام می‌پذیرد.

۶. شیخ مفید درباره شئون علمی امام، دیدگاهی خاص دارد و به‌طور کلی، این سخن را که امام علم به همه چیز دارد بر نمی‌تابد.

ظواهر را می‌داند و اگر هم عالم به باطن کسی باشد، از طریق آن است که خداوند به پیامبرش اعلام و او هم به امامان علیهم السلام منتقل کرده، یا آنکه در خواب به او فهمانده شده است. اما چنین نیست که بتوان گفت او قطعاً عالم به باطن فلان شخص است (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶؛ همو، الفصول المختارة، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۴).

در همین زمینه، شیخ مفید درباره آشنایی امام با همه صنایع و نیز همه لغات بر این باور است که به لحاظ عقلی چنین چیزی اگرچه ممتنع نیست، عقلاً برای امام واجب نبوده، ضرورتی ندارد، و روایاتی نیز که در این باره رسیده است، مفید قطع نیستند (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶-۶۷).

بنابراین در اندیشه او، امامان علیهم السلام لزوماً عالم به تمام صنایع و لغات نیستند و روایات نیز در این باره قطع آور نیست. شیخ مفید در برخی دیگر از آثار خود، علم به همه امور و نیز علم به باطن امور را شرط نبوت ندانسته است و برای اثبات نظریه خود، آگاه نبودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علم نجوم و نیز امی بودن او را مثال می‌زند (مفید، المسائل العکبریة، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴).

افزون بر این موارد، شیخ مفید در برخی از آثار خود، این امر را ممکن می‌داند که امام بر اثر نداشتن علم به امور غیبی، در موارد قضاوت و داوری میان مردم، بر اساس ظاهر حکم کند و مرتکب خلاف واقع شود؛ اگرچه این امر را نیز ممکن - نه واجب - دانسته است که در این امور خداوند بر اساس لطف خود وی را از این اشتباه برهاند (مفید، اوائل المقالات، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶).

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که در منظومه فکری شیخ مفید، امام علیه السلام شأن مرجعیت علمی در علوم غیردینی - را ندارد؛ زیرا اگر چنین شأنی داشت، باید

— ۱۴۱۳ق، *اربع رسالات فی الغیبة*، قم، کنگره شیخ مفید.
نجاشی اسدی، احمد بن علی، ۱۴۱۶ق، *رجال النجاشی*، تحقیق
سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۵ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار
صادر.
ابن داود حلی، حسن بن علی، ۱۳۸۳ق، *رجال ابن داود*، تهران،
دانشگاه تهران.
ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۹۵م، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء
التراث العربی.
ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق، ۱۴۱۶ق، *الفهرست*، تعلیق
یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *تاریخ بغداد او
مدینة السلام*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
شبیری، محمد جواد، ۱۳۷۱، «نجوم امت، تاریخ حیات شیخ مفید»،
نور علم، ش ۴۵، ص ۶۴-۷۰.
طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*،
مشهد، مرتضی.
طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *الفهرست*، نجف، المكتبة
المرتضویة.
کریمی زنجانی، محمد، ۱۳۸۳، «مدخل شیخ مفید»، در:
دائرة المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفة
حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *الافصاح فی الامامة*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *التذکرة باصول الفقه*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *الحکایات فی مخالفات المعتزلة من العدلیة*، قم،
کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *الفصول العشرة*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *الفصول المختارة*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *المزار*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *المسائل الجارودية*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *المسائل السروية*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *المسائل العکبرية*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *المقنعة*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *اوائل المقالات*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *تصحیح الاعتقاد*، قم، کنگره شیخ مفید.
—، ۱۴۱۳ق، *تفضیل امیرالمؤمنین علیؑ*، قم، کنگره شیخ مفید.